

ارائه شده توسط

لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

High1

Unit6

MY FRIEND THE ROBOT

دوست من روبات

Technology marches on. What only dreamed about yesterday is a reality today. What we dream about today will become a reality tomorrow-or, at the rate things are going, maybe this evening. Did you know, for example, that there are now computers that can operate underwater? Soon there will be computers that we can wear. There is now computer-controlled plastic surgery. And then there are robots.

تکنولوژی سریع پیشرفت میکند. چیزی که دیروز تنها رویایش را میدیدم امروز واقعیت است. چیزی که امروز رویایش را میبینیم فردا به واقعیت تبدیل میشود-یا با سرعتی که چیزها در حال اتفاقند، شاید این عصر. برای مثال میدانستید که الان کامپیوترهایی هستند که میتواند زیر آب کار کنند؟ به زودی کامپیوترهایی خواهد بود که میتوانیم بپوشیم. الان جراحی پلاستیک کنترل شده با کامپیوتر وجود دارد. و بعد از آن، ربات ها هستند.

Twenty years ago, hardly anyone thought personal computers would become common in the home, but they have. Robots may now be at the stage that personal computers were twenty years ago. The development of the personal robot may be the next big technological advance, and some are predicting that within twenty years, home robots will have become as common as PCs are today.

بیست سال پیش به ندرت کسی فکر میکرد کامپیوترهای شخصی در خانه ها معمول میشوند اما شده اند. روبات ها ممکن است الان در مرحله ای باشن که کامپیوترها بیست سال پیش بودند. پیشرفت روبات خصوصی ممکن است ترقی دوم تکنولوژی باشد و بعضی پیش بینی میکنند که در بیست سال آینده روبات های خانگی به اندازه کامپیوترهای شخصی معمول خواهند شد.

Robots that looked like **vaguely humanoid**, walking tin cans used to be the staple of science fiction writers. Czech writer Karel Capek gave us the word "robot" in his play R.U.R. Rossum's Universal Robots, in 1921 Capek **coined** the term from robota, which means "forced labor" or "drudgery." The robots in Capek's play eventually destroyed mankind because they learned to love and hate, Today, though,

روبات هایی که بطور مبهمی شبیه انسان بودند، حلبی ای که راه میرود اساس اصلی نویسندگان علمی تخیلی بود. کارل چاپک نویسنده ی چلوسلواکی در نمایشنامه اش ار یو ار روبات های جهانی روسوم، به ما کلمه ی "روبات" را داد، در 1921. چاپک واژه را از روباتا به معنی "درد اجباری" یا "کاربرزحمت" اختراع کرد. روبات ها در نمایشنامه ی چاپک سرانجام بشر را نابود میکنند زیرا انها یاد گرفته بودند عاشق و متنفر شوند. هرچند امروز

most visualize robots not as threatening creatures but as beneficial machines helping us with our work, especially unpleasant drudgery. Computer science professor Gregory Dudek recalls how **bulky** and **awkward** computers were when they first appeared and how they've been getting much smaller and more efficient. He predicts the same kind of development for the personal robot, saying,

تصور روبات ها بعنوان موجوداتی ترسناک نیست بلکه بعنوان ماشین هایی مفید که به ما کمک میکنند کارهایمان را انجام دهیم، مخصوصا کارهای سخت نامطبوع. پرفسور علم کامپیوتر، پرفسور گرگوری دودک به یاد می آورد کامپیوترها وقتی اولین بار ظاهر شدند چقدر بزرگ و غیراستادانه بودند و چگونه کوچک و کوچتر و کارآمد تر میشوند. پیشرفتی یکسان را برای روبات خصوصی پیش بینی میکند، با گفتن

"That's the kind of change we're looking for in the robot industry. I don't think it will happen in the next two years, but in the next five or ten, certainly." However, many researchers see future robots as much more than just mechanical workers that perform the tasks we don't want to do. Many see them as companions. Consider robotic pets, for example, The Sony Corporation has developed a robotic dog that **wags** its tail, **fetches** a ball, and responds to human commands.

"این تغییری هست که در صنعت روبات منتظرشیم. فکر نمیکنم توی دو سال آینده اتفاق می افتد اما در پنج یا ده سال بعدی، قطعاً." هرچند بسیاری از محققان روبات های آینده را بیشتر از تنها فقط کارگر مکانیکی که کارها یی را که ما نمیخواهیم انجام دهیم، انجام میدهد میبینند. بسیاری آنها را بعنوان همراه میبینند. برای مثال روبات های حیوان خانگی را در نظر بگیرید، شرکت سونی سگ روباتی را رشد داده که دمش را تکان میدهد، توپ را میگیرد، به دستورات انسانی پاسخ میدهد.

Researchers at the Georgia Institute of Technology have been developing a mobile robot called Pepe, short for "personal pet," Its makers hope that future users will regard it more a friend or companion than as a robot. Wouldn't you like to have a robot pet that does what want, but you wouldn't have to feed it or take it to **vet** to get its shots?

تحقیقات در دانشگاه تکنولوژی جورجیا یک ربات موبایل که پپ، کوتاه شده ی "حیوان شخصی"، نامیده میشود را رشد داده اند. سازندگان ان امیدوارند استفاده کنندگان آینده بیشتر ان را بعنوان دوست یا همراه در نظر بگیرند تا روبات. ایا شما یک حیوان خانگی روباتی که هر چیزی که میخواهید انجام میدهد دوست ندارید داشته باشید اما مجبور نباشید به ان غذا بدهید یا به دامپزشک بپردازید تا واکنس هایش را بزند؟

Another use of robots is as waiters or servants. Does this sound unbelievable? It isn't. In London's Yo! **Sushi** restaurant, there are robots that prepare food, serve drinks, warn customers to get out of their way, and make funny A statements like, "Life is never-ending circuit." Robots will probably never replace humans. Wouldn't it be nice, though, to have **companions** who do our **drudgery** for us, be there when we wish, speak when spoken to, listen attentively to everything we say and not talk back?

یک استفاده دیگر از روبات ها بعنوان پیشخدمت یا خدمتکار است. ایا این غیر قابل باور بنظر میرسد؟ نیست. در یو لندن! رستوران سوشی، روبات هایی هستند که غذا آماده میکنند، نوشیدنی سرو میکنند، به مشتری ها اخطار میدهند از سر راهشان کنار بروند و گفته های خنده داری مانند "زندگی یه مسیر تموم نشدنیه" میگن. احتمالاً روبات ها هرگز جانشین انسان نشوند. هر چند خوب نبود همراهی داشته باشی که کارهای سختمان را بر ایمان انجام دهد، وقتی میخواهیم کنارمان باشد، وقتی با او صحبت میشود صحبت کند. با دقت به هر چیزی که میگوییم گوش دهد و هرگز جواب حاضری نکند؟

New word: English explanation \ معنی فارسی

Vaguely: in a way that is uncertain, indefinite or unclear; roughly/ بطور مبهم، سربسته

Humanoid: having humanlike qualities of structure and appearance/ شبیه انسان

Coin: invent (a new word or phrase)/ ساختن، وضع کردن

Bulky: of large volume, but often relatively light/ بزرگ

Awkward: deficient in physical skill or grace; clumsy/ زشت، ناشی

Wag: to cause to move repeatedly up and down or from side to side; shake (a finger) or nod (one's head)/ تکان دادن، جنباندن

Fetch: to go for (something) and bring back, or cause (a person) to come/ گرفتن

Vet: a shortened form of "veterinarian," a person trained and licensed to practice medicine on animals/ دام پزشکی

Companion: one who associates with another or others/ همراه ، هم صحبت

Sushi: a Japanese dish consisting of cold rice wrapped, esp. in seaweed, around raw fish or vegetables/ سوشی

Drudgery: hard menial or dull work/ جان کنی، کارپرزحمت

New Word	Synonym	Antonym
Bulky	big, extensive, huge, large	
Awkward	bumbling, clumsy, gawky, inept	adroit, agile, deft, dexterous
Fetch	bring, collect, get	
Companion	associate, fellow, friend, buddy	